نقش خاندان سعود در پیشبرد وهابیت

او(محمدبن‌عبدالوهاب) به‌طور آشکار می‌گفت: «مسلمانان ششصد سال کافر بوده‌اند و غیر از پیروان خود، بقیه مردم را مشرک و کافر و خون و مالشان را حلال و مباح می‌دانست

محمد بن عبدالوهاب نجدی پیرو مذهب حنبلی بود. عقاید ابن تیمیه و شاگردانش ابن‌قیم جوزیه و ابن عبدالهادی را سرمشق خود قرار داد و در این راه از آنها نیز گام را فراتر نهاد، تا جایی که عموم مسلمین را کافر و مشرک دانست و تمام بلاد اسلامی حتی مکه و مدینه را که هنوز به دست وهابی‌ها نیفتاده بود «الحرب» و «الکفر» نامید و جنگ با مسلمانان و اشغال آن اماکن مقدسه و تخریب تمامی شعائر اسلامی را بر پیروان خود واجب شمرد.

برادرش شیخ سلیمان کتابی به نام «الصواعق الالهیة فی الرد علی الوهابیه» نوشت و برای او فرستاد و در آن تمامی ادعاهای او را رد کرد و در مقام تأثر و اندوه می گوید: «واغوثاه! از این سخن که می گویی قبل از من هیچ‌کس دین اسلام را نشناخته است.» [الصواعق الآلهیة، ص ۳۸]

در رساله «کشف‌الشبهات» بیش از بیست و چهار بار، مسلمانان را مشرک خوانده، و بالغ بر بیست و پنج مورد مسلمین را کافر، بت‌پرست، مرتد، منافق، منکر توحید، دشمن توحید، دشمنان خدا، مدعیان اسلام، اهل باطل، نادان و شیاطین دانسته است.

او به‌طور آشکار می‌گفت: «مسلمانان ششصد سال کافر بوده‌اند و غیر از پیروان خود، بقیه مردم را مشرک و کافر و خون و مالشان را حلال و مباح می‌دانست.»[کشف الارتیاب، ص ۱۴۷ به نقل از کشف الشبهات، صفحات ۵۷ تا ۷۲]

وی از صلوات بر پیغمبر(ص) نهی می‌کرد و از شنیدن آن ناراحت می‌شد. صلوات فرستنده را اذیت می‌کرد و به سخت‌ترین وجه مجازات می‌نمود. حتی او دستور داد مرد نابینای متدینی را که مؤذن بود و صوت خوشی داشت، چون به سخن او گوش نداده بر پیغمبر(ص) صلوات فرستاده بود، به قتل رساندند. [وهابیان، ص ۲۵۳]

بسیاری از کتاب‌های مربوط به صلوات بر پیغمبر(ص) را مانند «دلائل الخیرات» تالیف محمدبن‌سلیمان جزولی سوزانید. همچنین کتب زیادی از فقه و تفسیر و حدیث را که مخالف معتقداتش بود، به آتش کشید و به هر یک از پیروانش اجازه می‌داد قرآن را مطابق فهم خود تفسیر کند. [وهابیان، ص ۲۵۰]

خاندان محمد بن عبدالوهاب

احمد زینی دحلان در «خلاصة الکلام» می‌نویسد: «محمدبن‌عبدالوهاب متولد سال ۱۱۱۱ هـ . ق به سال ۱۲۰۷ در سن ۹۶ سالگی در گذشت.

نخستین کسانی که محمدبن‌عبدالوهاب را در مرام و عقاید مخصوصش یاری کردند. محمدبن‌سعود و پسر او عبدالعزیز و نوه‌اش سعودبن‌عبدالعزیز بود. [کشف الارتیاب، ص۳]

نقش خاندان سعودی در پیشبرد مذهب وهابی

محمد بن سعود که قبل از ورود محمد بن عبدالوهاب به درعیه شیخ قبیله‌ی کوچک عُنیزَهَ و یکی از رؤسای جزء قبائل نجد بود، پس از پیوستن و توافق با محمد بن عبدالوهاب و پذیرش دعوت او که به وی وعده‌ی فرمانروایی بر کل منطقه می‌داد، رفته رفته کارش بالا گرفت، به‌طوری که در سال ۱۱۵۹ از هر طرف به بلاد مجاور حمله‌ور می‌شد و احشام و اموال مردم را به غارت می‌برد.

در سال ۱۱۶۲ اشراف مکه جریان کار وهابی‌ها و تاخت و تاز محمدبن‌سعود به قبایل اطراف که زنگ خطر را برای حمله به شهرهای حجاز به صدا درآورده بود، به «باب عالی» دربار عثمانی اطلاع دادند. این نخستین‌بار بود که حکومت عثمانی از دعوت وهابی اطلاع می‌یافت.

محمدبن‌سعود در سال ۱۱۷۹ پس از سی سال فرمانروایی در نجد درگذشت و پسرش عبدالعزیز به جای وی نشست. [وهابیان، ص ۲۹۷]

عبدالعزیز محمد بن سعود

عبدالعزیز بزرگ‌ترین پسر محمدبن‌سعود بود که بعد از پدر در راه پیشرفت مذهب وهابی و توسعه‌ی حکومت خود بسیار کوشش کرد. وی در سی سال اول فرمانروایی، پیوسته با قبایل مجاور در حال جنگ بود. او خود را امیرالمسلمین می‌دانست.

ادامه دارد ...